

حزب الله با موشک باران گسترده شهرهای شمال فلسطین اشغالی و معادله بازدارنده سید حسن نصرالله (طبق تعبیر خود سید مقاومت «به سوی حیفا، فراتر از حیفا و فراتر از حیفا») حملات موشکی خود را به شهرهای طبریا، ناصره، عفوله، بیسان و در آخرین روزهای جنگ به شهر «حاضر» در ۲۰ کیلومتری شمال تل آویو رساند تا جایی که سید حسن نصرالله در آخرین روزهای جنگ رسماً اعلام کرد: «هر نوع حمله هوایی ارتش اسرائیل به بیروت با حمله موشکی مقاومت اسلامی به تل آویو پاسخ داده خواهد شد!».

تأثیر حملات موشکی حزب الله تا حدی بود که علاوه بر آواره کردن بخش قابل توجهی از اشغالگران ساکن شمال فلسطین اشغالی، موج مهاجرت معکوس از فلسطین اشغالی به دیگر نقاط جهان، به خصوص قاره‌های اروپا و آمریکا را ایجاد کرد.

مقامات ارتش اسرائیل که در ذهن خود خیال می‌کردند حتی اگر حزب الله بتواند دست به حمله موشکی علیه شهرها و شهرک‌های صهیونیست‌نشین شمال فلسطین اشغالی بزند، توان شکست محاصره آبی لبنان توسط نیروی دریایی ارتش اسرائیل را نخواهد داشت، با اصابت موشک کروز دریایی به ناو جنگی «ساعر ۵» موسوم به «حانیت» در مقابل ساحل بیروت در بهت و حیرت فرو رفتند؛ عملیاتی که با نظارت شخص شهید حاج عماد مغنیه و بلافاصله پس از اتمام پیام زنده تلفنی سید حسن نصرالله، درحالی که شخص سید مقاومت وعده انهدام این ناو را می‌داد، به اجرا درآمد و یک ضربه نظامی-رسانه‌ای بسیار قوی به ارتش اسرائیل، به خصوص نیروی دریایی این رژیم، تا امروز محسوب می‌شود.

مقامات سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی که نه با بمباران هوایی و نه با محاصره دریایی توانسته بودند محبوبیت حزب الله و قدرت نظامی مقاومت اسلامی را کاهش دهند، دو هفته پس از شروع جنگ تصمیم به وارد کردن نیروی زمینی رژیم به مناطق جنوب لبنان، با هدف تصرف کامل نواحی جنوبی رود لیتانی و ایجاد یک کمربند امنیتی جدید و پاک‌سازی کامل نژادی-مذهبی شیعیان در این منطقه، گرفتند.

ارتش رژیم صهیونیستی برای عملیات زمینی خود در لبنان، بخش قابل توجهی از این مأموریت را به تیپ ویژه «جولان» (گولانی) و لشکر ۹۱ «الجلیل» محول کرد. یکی از مأموریت‌های لشکر ۹۱ در این نبرد، تصرف شهر مهم «بنت جبیل» بود؛ جایی که سید حسن نصرالله در روز آزادسازی جنوب لبنان، طی حضور و سخنرانی معروف خود، اسرائیل را «سست‌تر از لانه عنکبوت» توصیف کرد!

با این حال، ورود نظامیان صهیونیست به جنوب لبنان برخلاف تصور اولیه‌شان با واکنش بسیار سختی از طرف مقاومت اسلامی مواجه شد، به گونه‌ای که شدیدترین درگیری‌ها در مثلث مرزی «مارون الرأس- بنت جبیل- عیترون» رخ داد. نیروی زمینی ارتش

اسرائیل با وجود درگیری‌های سنگین نتوانست مواضع خود را در این منطقه تثبیت کند. ژنرال «گال هersh» که در آن زمان فرماندهی لشکر ۹۱ و نبردهای ارتش رژیم صهیونیستی در این منطقه را برعهده داشت، پس از پایان جنگ به صراحت از «عدم شناخت مقامات ارشد سیاسی و نظامی رژیم از وضعیت درگیری در جبهه جنوب لبنان» انتقاد کرد.

از سوی دیگر ارتش اسرائیل این بار با ساختاری کاملاً متفاوت و غافلگیرانه نسبت به دوران اشغال جنوب لبنان مواجه شده بود. در آن زمان پایگاه‌های ارتش اسرائیل در ارتفاعات و تپه‌های جنوب لبنان (مانند سجد، دبشه، عرمتی، بئرکلاب، بیت یاحون، احمدیه و...) دژهای محکمی برای صهیونیست‌ها بودند که مقاومت اسلامی آنان را در عملیات‌های ضربتی مورد حمله قرار می‌داد اما این بار ارتش اسرائیل وارد یک درگیری سنگین و متفاوت، که ترکیبی از نبرد شهری و جنگ در تپه‌ها و گذرگاه‌های جنوب لبنان به حساب می‌آمد، شده بود.

یکی از مهم‌ترین امیدهای ارتش اسرائیل برای پیروزی در جنگ ۳۳ روزه، تانک پیشرفته «مرکاوا-۴» بود که تا آن زمان یکی پیشرفته‌ترین تانک‌های جهان به حساب می‌آمد. تا قبل از جنگ ۳۳ روزه، نیروهای «تیپ‌های ناصر صلاح‌الدین» در شهر غزه با دشواری موفق به انهدام یک دستگاه از این تانک شده بودند، اما رزمندگان حزب الله و فرمانده نظامی ارشد آنان، حاج عماد مغنیه، با یک غافل‌گیری حیرت‌آور جنوب لبنان را به جهنم این تانک تبدیل کردند.

ارتش اسرائیل برای تصرف منطقه مورد نظر خود در جنوب لبنان نیروهای زرهی خود را در چند جبهه، به خصوص دره مهم «حجیر» و دشت «خیام»، وارد صحنه کرد اما مقاومت اسلامی توانست با موشک‌های ضدزره خود، به خصوص موشک قدرتمند «کورنت» که توسط نیروهای زنده‌ای مانند شهیدان «حاج علی صالح» و «ربیع قصیر» به کار گرفته شدند، توان زرهی ارتش اسرائیل را نابود کند. به تمام این شکست‌ها باید عدم موفقیت عملیات‌های هلی‌برن در غندوریه، بعلبک و پیاده شدن واحدهای ویژه ارتش اسرائیل در ساحل جنوب لبنان مانند یگان «شایطت ۱۳» که پیش از این در عملیات تاریخی «فخ العباس» (کمین انصاریه) در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) توسط نیروهای ویژه حزب الله لبنان تار و مار شده بود را افزود.

عدم موفقیت ارتش اسرائیل در برابر حزب الله به سطحی رسید که مقامات صهیونیست در آخرین روزهای جنگ هدفشان را تا «عقب زدن موشک‌های حزب الله از مرز با لبنان» کاهش دادند؛ هدفی که به آن هم نرسیدند.

سرانجام ارتش اسرائیل ناگزیر از پذیرش قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل و عقب‌نشینی از لبنان شد. دو سال پس از این جنگ اسرای لبنانی به میهن بازگشتند، هرچند جای عماد مغنیه خالی بود.

یکی از مهم‌ترین امیدهای ارتش اسرائیل برای پیروزی در جنگ ۳۳ روزه، تانک پیشرفته «مرکاوا-۴» بود که تا آن زمان یکی پیشرفته‌ترین تانک‌های جهان به حساب می‌آمد. تا قبل از جنگ ۳۳ روزه، نیروهای «تیپ‌های ناصر صلاح‌الدین» در شهر غزه با دشواری موفق به انهدام یک دستگاه از این تانک شده بودند، اما رزمندگان حزب الله و فرمانده نظامی ارشد آنان، حاج عماد مغنیه، با یک غافل‌گیری حیرت‌آور جنوب لبنان را به جهنم این تانک تبدیل کردند.

